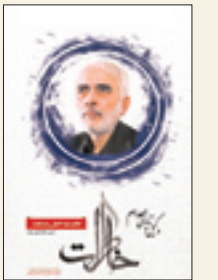


رویدادهای انقلاب اسلامی

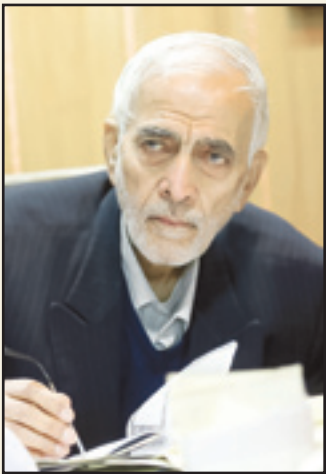
در آیینہ خاطرات اصغر رخ‌صفت گفتند راه مبارزه به اعدام ختم می‌شود!

■ **محمد رضا کائینی**



در ادامه نیز در این فرایند حضوری نمایان داشت. خاطرات این مبارز دیرین توسط فاطمه نظری کپره تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آن را روانه بازار نشر ساخته است. این مجموعه هزاره‌های گوناگونی از تاریخ انقلاب را مورد روایت قرار داده است. آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی به شهادت صادق اسلامی، مسئول حوزه‌های ما در هیئت‌های مؤتلفه اسلامی بود و من با ایشان و حاج آقا اسدالله بادامچیان، ارتباط داشتم. تا اینکه مسئله شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی، در سال ۱۳۵۶ پیش آمد. به یاد دارم که پس از شهادت ایشان، یک روز در بازار مشغول کار بودم و روی فرش‌ها شماره می‌زدم و قالیچه‌ها را شماره می‌کردم که دیدم یکی از پشت سر دستش را به شانه‌ام زدا برگشتم و دیدم که شهید حاج صادق اسدالله اسلامی است. گفت: می‌خواهم امضایت را بگذارم برای ختم حاج آقا مصطفی. گفتم: ماجرا تا کجا ادامه دارد؟ گفت: تا اعدام! امضا کردم و گفتم: وکیل هستی برو همین را به من گفت و رفت. برگشت و از همان انتهای بازار، حدود ۵۰ – ۴۰ تا اسم امضا گرفته بود که ختم حاج مصطفی خمینی را در مسجد از ک اعلام کنیم. بدین ترتیب اولین مراسم ختم حاج آقا مصطفی، در مسجد از ک برگزار شد…»

حاج اصغر رخ صفت در ادامه خاطرات خویش به چند چون و چاه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ پرداخته و می‌گوید:

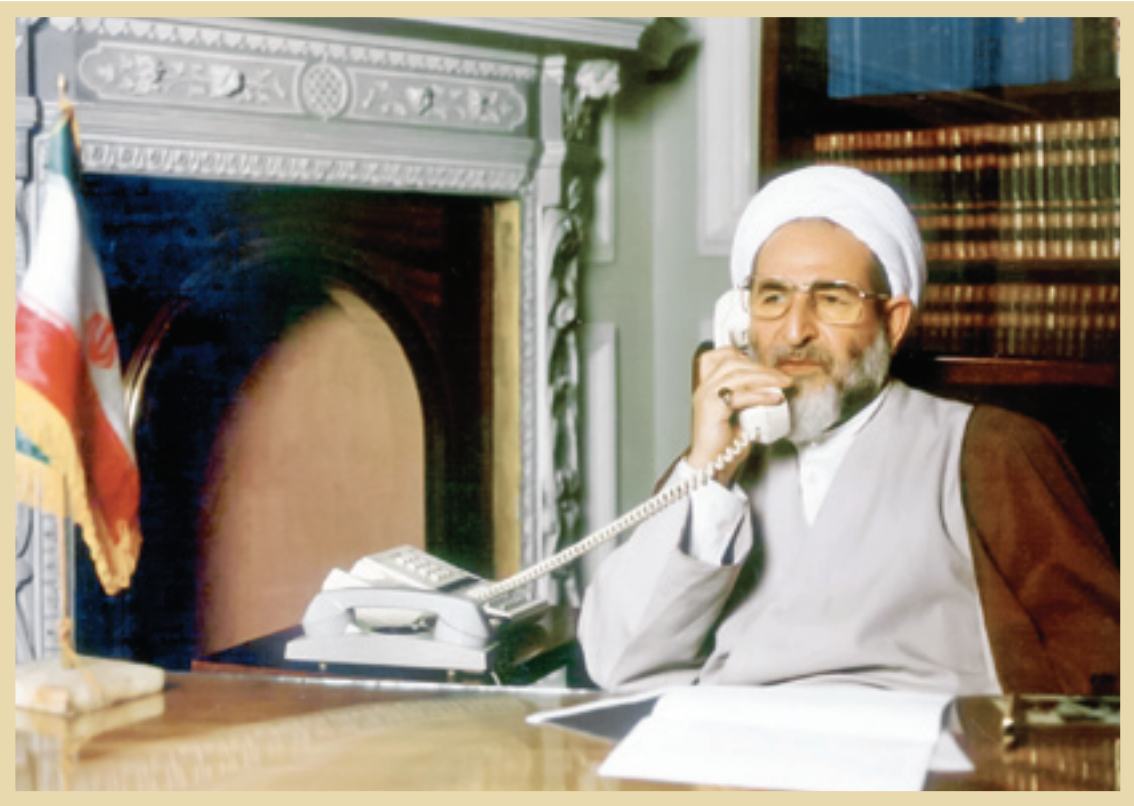


▸ اصغر رخ‌صفت

«روز قبل از ۱۷ شهریور، در میدان آزادی اعلام شد فردا روز ۱۷ شهریور است و دیگر راهپیمایی نداریم. بر سر شرکت در راهپیمایی ۱۷ شهریور بحث بود که بعضی‌ها می‌گفتند ما در این راهپیمایی شرکت نمی‌کنیم، چون گروه‌های دیگری هم بودند که فعالیت می‌کردند و مقداری از هدف اصلی انحراف داشتند و مخالف افکار برادر‌ها بودند. به هر حال با همین تردیدی که داشتیم، مردم متفرق شدند و ما هم هیچ تصمیمی برای راهپیمایی روز ۱۷ شهریور نداشتیم. منزل ما نیز اول غایتی (شهید سعیدی‌قلعی) و بر خیابان ۱۷ شهریور بود نیمه شب ارتش هم اعلام حکومت نظامی کرده و اعلام کرده بود اگر کسی بیاید بیرون ما می‌زنیم و به هیچ‌کسی هم امان نمی‌دهیم! ظاهراً حکومت نظامی را اعلام کردند ولی مردم توجیحی نکردند. صبح روز من بیرون آمدم و دیدم که دسته‌دسته، اکثراً خاتم‌ها هستند که به خیابان آمده‌اند و آقایان هنوز بیرون نیامده بودند! حدود ساعت ۸، ۷/۵ صبح بود که خیابان ۱۷ شهریور (شهپاز خانم‌هایتان را بفرستید بیرون بیایند. همه شعارها الان در ذهنم نیست ولی می‌گفتند شمارم درها غیرت ندارید، خاتم‌هایتان را بگویید بیرون بیایند. یک شعارهایی پدیدو مردم را تهییج می‌کردند. مردم کم کم آمدند و ما از همانجا راه افتادیم از در منزل آرام آرام آمدم و همان کنار خیابان، به‌عنوان راهپیمایی نمی‌آمد ولی خاتم‌ها مفضل هم شدند و خیلی هم می‌جاند و زده بودند. خیلی عجیب روحیه بالایی داشتند و هر کس از آقایان را می‌دیدند، همین شعار را می‌دادند که اگر خودتان راهپیمایی نمی‌کنید بروید خانه‌هایتان را بفرستید بیرون بیایند. همه شعارها الان در ذهنم نیست ولی می‌گفتند شمارم درها غیرت ندارید، خاتم‌هایتان را بگویید بیرون بیایند. یک شعارهایی خودشان درست می‌کردند. اصلاقی البدها شعار درست می‌کردند. تقریباً تا نزدیک میدان شهنا آمدم و راه نبود که جلوتر بروم. اصلاً خیلی هم وضع خطرناک بود و همه هیجان‌زده بودند…»

معارف

کفتد کو ۸۸۹۸۴۳۷



عالم مجاهد و کارگزار غیور نظام اسلامی، در آیینہ یادها و یادمان‌ها

گاه یک تنه به میدان می‌آمد تا از حریم و کیان حق دفاع کند!

■ **احمد رضا صدری**

در دوران خطیر مبارزات نهضت اسلامی و نیز فراز و نشیب‌هایی که نظام بر آمده از آن تجربه کرد، هماره راه یک شخصیت در کسوت مدافع جدی انقلاب و رهبری مطرح می‌شد و آن فرد کسی نبود جز زنده‌یاد آیت‌الله محمد یزدی. از این روی و در سالروز رحلت آن بزرگ، تلاشی کرده‌ایم تا سیره او را در آیینہ روایت دوستان و یاراننش باز یخوانیم. امید آنکه علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **شخصیتی نادر، در تجمیم علم، سیاست و شجاعت**

زنده‌یاد آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی، با زنده‌یاد آیت‌الله محمد یزدی، دوستی و مراد‌های طولانی داشت. از این روی و در دوران حیات آن بزرگمجاهد، در باب خصال علمی و عملی وی، شهادتی اینچنین را به تاریخ سپرد که مهم و خواندنی می‌نماید:

«حضرت آیت‌الله یزدی هم از لحاظ فقا‌هت، هم از لحاظ آشنایی با مسائل سیاسی روز و هم از من جزرت عمل و نگران نبودن از ضررهایی که در مسیر انجام وظیفه پیش می‌آید، از نادرترین افراد هستند. ممکن است در هر یک از اینها کسانی از ایشان افضل و اکمل هم باشند، اما مجموع اینها یعنی هم فقیه، هم آشنا با مسائل عقلی، هم مسائل سیاسی، هم اهل زندان، هم اهل تبلیغ و هم اهل تبعید، درگیری با اقران، در معرض اتهام قرار گرفتن، استقبال کردن از کارهایی که لوازم آن مشکلات بود، کم کسی را من سراغ دارم که همه این صفات در او جمع باشد و واقعا برای انجام وظیفه حاضر باشد تا هر سختی و رنجی را تحمل کند…»

■ **حق را می‌گفت، حتی اگر به ضرر وی بود**

آیت‌الله مرتضی‌مقتدایی علاوه بر دوران خدمت در دستگاه قضایی، در نهاد جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز با زنده‌یاد آیت‌الله محمد یزدی همکاری و مصاحبتی نزدیک یافت. او در پی از تحلی دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و در باب پیشینه انقلابی آن عالم راحل خصال فردی و اجتماعی وی را چنین توصیف کرد:

«آیت‌الله یزدی حق را اگر چه به ضرر خودش هم تمام می‌شد، به خاطر رضایت خداوند مطرح می‌کرد و از این بابت خوشحال هم می‌شد، زیرا معتقد بود به وظیفه خود عمل می‌کند. ایشان خود را آغاز انقلاب، حوزه و اسلام کرده بود. در رژیم شاهنشاهی صدمات بسیاری دید، زندان رفت، مورد شکنجه قرار گرفت و به تبعید محکوم شد، اما در مسیر انقلاب و خط حضرت امام(ره) ثابت قدم ماند. آیت‌الله یزدی سختی‌های مسیر انقلاب را برای رضای خداوند متعال تحمل می‌کرد. ایشان هنگامی که از زندان بیرون می‌آمد، بلافاصله فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز و علیه رژیم شاه سخنرانی می‌کرد. ایشان از آغاز نهضت امام، پا در رکاب رهبر کبیر انقلاب اسلامی شد، همانطور که پس از آن هم اینگونه بود. باید گفت که امروز اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از اینکه یک رئیس مقتدر، ثابت قدم و پرتلاش را از دست داده‌اند، در غم، اندوه و ناراحتی به سر می‌برند…»

■ **هرگز از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکرد**
تلاش مداوم برای روشنگری در جامعه و نهراسیدن او عواقب آن، از خصال بارز آیت‌الله یزدی به شمار می‌فت. حافظه عمومی و مطبوعات جامعه ما از این ویژگی وی یادها و یادمان‌های فراوانی در ذهن دارد. آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری، در این

باره می‌گوید:

«اگر بخواهیم شخصیت آیت‌الله یزدی را در یک جمله خلاصه کنیم، آن جمله این است که ایشان مجتهد و فقیه‌ی مجاهد، بصیر، آگاه، زمان شناس و مسئولیت‌پذیر بود. این عالم وارسته، انسانی شجاع و خطرپذیر بود و در همه عرصه‌های انقلاب اسلامی، حضور جدی داشت. ایشان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شانه از زیر بار مسئولیت خالی نکرد. آیت‌الله یزدی از محضر علمای بزرگی همچون حضرت آیت‌الله بروجردی و امام خمینی(ره) بهره بردند و به مقام اجتهاد رسیدند. ایشان در آن روزگاری که نیاز به فریاد کشیدن علیه دستگاه طاغوت احساس می‌شد، با خطابه‌های اتین و روشنگری‌هایی که داشت، وظیفه و مسئولیت سترگ و انقلابی خود را به انجام رساندند. این عالم وارسته نسبت به انقلاب اسلامی، با کسی تعارف نداشت و اگر روزی احساس می‌کرد که انقلاب در معرض تهدید قرار می‌گیرد، یک تنه به میدان می‌آمد تا از حریم و کیان آن دفاع کند. جامعه وظیفه‌شناس حوزه علمیه قم باید مسیر این عالم فقیه را با الهام گرفتن از سیره ایشان در تکلیف‌شناسی و وظیفه‌شناسی در عرصه‌های مختلف، پیگیری کند و آن را به انجام برساند…»

■ **از هیچ مانع و خطری متزلزل نمی‌شد**

گاه در طول تاریخ، حفظ جایگاه اجتماعی و سیاسی خواص و شخصیت‌های نامور را محافظه‌کار ساخته است. از این روی آنان در مواردی که باید در صحنه



آیت‌الله یزدی که در دوران نهضت اسلامی، شجاعت خویش را در مسیر امتداد آن با پذیرش زندان و تبعیدهای مکرر نشان داده بود، پس از تشکیل نظام برآمده از آن نیز نمی‌توانست در برابر حمله بدان سکوت پیشه و

مماشات کند. او در ادواری از حیات سیاسی خویش با این پدیده مواجه شد، اما هرگز تزلزل نیافت و در برابر آن آرامش خویش را حفظ کرد و به رویکرد جهادی خویش تداوم بخشید

د

گاه در طول تاریخ، حفظ جایگاه اجتماعی و سیاسی، خواص و شخصیت‌های نامور را محافظه‌کار کرده است. از این روی آنان در مواردی که باید در صحنه حضور می‌یافتند، خاموش و گوشه‌نشین شده‌اند. آیت‌الله یزدی در عداد شخصیت‌هایی است که هرگز به این آسیب دچار نشد و در راه بصیرت‌افزایی و ابطال باطل، و جاهدت خود را به هیچ می‌گرفت! خصلتی که تاریخ با آن وی را به خاطر خواهد سپرد

یزدی فضای قم را با شجاعت مدیریت کردند. آیت‌الله یزدی بعد از انقلاب نیز در هر عرصه‌ای که وظیفه‌شان اقتضا می‌کرد، حاضر می‌شدند. ایشان در مسئولیت‌هایی همچون: نمایندگی مجلس، نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، هیئت رئیسه مجلس، رئیس مجلس خبرگان، شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه ایفای نقش داشته‌اند. ایشان حدود ۱۰ سال، ریاست قوه قضائیه را بر عهده داشتند و خود بنده از ایشان شنیدم‌ده که در این ۱۰ سال یک ریال حقوق دریافت نکرده است. ایشان مخلصانه و با کمال ایمان و معنویت، در این عرصه انجم وظیفه کرده‌اند. بعد از ریاست قوه قضائیه، رهبر معظم انقلاب اسلامی بار دیگر ایشان را به عضویت شورای نگهبان در آوردند. آیت‌الله یزدی در شورای نگهبان از چهره‌های بسیار موفق بودند. در همین اولین جلسه‌ای که چهارشنبه گذشته در شورای نگهبان داشتیم، آیت‌الله جنتی نظم ایشان را در کنار این فضائلشان می‌ستودند و می‌فرمودند: بسا اینکه آیت‌الله یزدی باید برای جلسات شورای نگهبان از قم می‌آمدند، اما قبل از همه می‌رسیدند…»

■ **حامی سرسخت اجرای احکام اسلامی**
برای چهره‌هایی چون آیت‌الله یزدی، آنچه در ابطال باطل، و جاهدت خود را به هیچ می‌گرفت، اجرای احکام اسلامی بود، امری که در جایگاه مجور و مدار تمامی تلاش‌های آنان قلمداد می‌شد. به قول آیت‌الله محسن فقیهی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

«هر حوم آیت‌الله یزدی شخصیت شناخته شده حوزه علمیه قم بود که بیش از ۷۰ سال در حوزه‌های علمیه، مشغول تحصیل علوم دینی و تدریس دروس حوزوی بود. آقای یزدی از مهم‌ترین شخصیت‌های نظام اسلامی محسوب می‌شد و از یاران دیرین و صدیق امام خمینی(ره) و همراه و همگام رهبر معظم انقلاب بود. ایشان در سمت‌های مختلفی همچون: ریاست قوه قضائیه، ریاست جامعه مدرسین، عضو شورای نگهبان و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، عضو هیئت مدیره مجمع انقلاب بودند و در این پست‌ها منشأ خدمات بسیاری به نظام اسلامی شدند. پیروی و تبعیت این عالم مجاهد از ولایت فقیه، زبازند تمام مردم بود. تعصب و غیرت دینی خاصی برای پیمبر د احکام اسلام در نهاد داشتند و حامی سرسخت اجرای احکام اسلامی در کشور بودند. کمتر افرادی همانند مرحوم آیت‌الله یزدی وجود دارند که سابقه مبارزات انقلابی، تبعید، زندان و جهاد داشته باشند…»

■ **ه‌وای نفس و جلب توجه این و آن، محرک مواضع سیاسی او نبود**

همانگونه که در فوق اشارت رفت، آیت‌الله یزدی که در دوران نهضت اسلامی، شجاعت خویش را در مسیر امتداد آن با پذیرش زندان و تبعیدهای مکرر نشان داد، پس از تشکیل نظام برآمده از آن نیز نمی‌توانست در برابر حمله بدان سکوت پیشه و مماشات کند. این امری است که حجت‌الاسلام والمسلمین احمد اعطقی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز

■ **ه‌وای نفس و جلب توجه این و آن، محرک مواضع سیاسی او نبود**
همانگونه که در فوق اشارت رفت، آیت‌الله یزدی که در دوران نهضت اسلامی، شجاعت خویش را در مسیر امتداد آن با پذیرش زندان و تبعیدهای مکرر نشان داد، پس از تشکیل نظام برآمده از آن نیز نمی‌توانست در برابر حمله بدان سکوت پیشه و مماشات کند. این امری است که حجت‌الاسلام والمسلمین احمد اعطقی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز بیان کرده است:
«آیت‌الله یزدی از افراد مؤثر و پیشگام در انقلاب بودند. ایشان با همتی مثال زدنی، برخی از اعلامیه‌ها که در تأیید حضرت امام و انقلاب از سوی شخصیت‌های حوزوی صادر می‌شد را مستور می‌کردند و در این زمینه اهتمام ویژه‌ای داشتند. آیت‌الله یزدی از ابتدای انقلاب در کنار امام راحل قرار داشتند. صراحت لہجه و شجاعت ایشان در ابراز مواضع، بسیار مثال زدنی بود. آیت‌الله یزدی طبق اعتقاد و تشخیص خودشان، اظهار نظر و عمل می‌کردند و اعتنایی به پیامدهای احتمالی و خوش آمدن‌ها و بد آمدن‌های دیگران نداشتند. تمام کسانی که به عرصه سیاسی و اجتماعی ورود پیدا می‌کنند، جاذبه‌ها و دفعه‌هایی دارند و طبیعتاً عده‌ای عمیقاً با مواضع این افراد همراه و عده‌ای از نظر ایشان ناخشنود می‌شوند، این امری بدیهی و جاری است و به ایشان اختصاص ندارد. با این همه آن چیزی که در شخصیت آیت‌الله یزدی بر جسته بود، این است که هوای نفس و جلب توجه این و آن، محرک مواضع سیاسی و اجتماعی ایشان نبود. پیوند آیت‌الله یزدی با آرمان‌های انقلاب و امام راحل، بسیار راسخ بود و در طول ۴۰ سالی که از انقلاب می‌گذشت، لحظه‌ای از آن آرمان‌ها فاصله نگرفتند…»

■ **نمادی از بی‌رغبتی به دنیا**

اهالی سیاست، معمولاً برای تأمین دنیای خویش به تلاش و تکاپو می‌پردازند. با این همه بسا علاقه‌مندان آیت‌الله یزدی، از جمله آیت‌الله محسن اراکی بر این عقیده‌اند که وی هیچ رغبتی به مظاهر دنیا نداشت و حتی تنها خانه ملکی خویش را وقف طلاب حوزه علمیه کرد:
«زهد، احتراز از دنیا، عدم تعلق به عنایین، عدم تعلق به وابستگی‌های دنیایی و صرف همه عمر در راه خیر، از ویژگی‌های ایشان بود. همانطور که می‌دانید، خانه ایشان تنها خانه‌ای است که از دنیا در اختیار ایشان قرار داشت که ایشان آن را هم وقف فعالیت‌های علمی و دینی مکتب اهل بیت(ع) نمودند. خود ایشان هم شخصیتی بودند که باید از ایشان تعبیر کرد که خود را به تمام معنا وقف دین کرده بودند. هر چند دفاع از حق برایشان هزینه‌های بسیار سنگینی داشت و ایشان را آماج بسیاری از حمله‌ها قرار می‌دادند. بسیاری آن بزرگوار را متهم می‌کردند و عبارات رکیکی در حق ایشان به کار می‌بردند ولی این تهاجم و این عکس‌العمل نیروهای منحرف، هیچ‌گاه ایشان را در دفاع از حق، در دفاع از مرزهای عقیدتی و از مرزهای علوم الهی و علوم آل‌محمد(ص) سست نکرد. ایشان تألیفات علمی خوبی در عرصه‌های علمی دارند که کتاب فقه القرآن از بر جسته‌ترین مکتوبات فقهی‌شان است. علاوه بر این حضور ایشان در شورای محترم نگهبان طی دهها سال، حضوری پر برکت و اثر گذار بود. همچنین حضور ایشان در قوه قضائیه نیز بسیار اثرگذار و قاطع بود. ما از زمانی که او را شناختم، ایشان فقهی‌بینا، عالمی فاضل، آشنا با مبانی دین، آشنا با مبانی اجتهاد، محیط به منابع دینی، بصیر در دین، دارای حسن استنباط از منابع دینی که فهم درستی از مبانی داشتند، بودند. از همه اینها شاید مهم‌تر، آن جرئت و شجاعت و صلابتی است که در ایشان وجود داشت و در قرآن کریم، از آن به لَا یَخَافُونَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ یَادِ می‌شود…»

■ **چهره‌ای از آیت‌الله که کمتر دیده شده است**

فراز پایانی این یادمان را توصیفات حجت‌الاسلام والمسلمین مجید یزدی از سیره اخلاقی پدر قرار داده‌ایم تا جلوه‌ای کمتر دیده شده از سیره آن روحانی شجاع را پیش‌روی خوانندگان قرار دهیم. فرزند تأکید دارد که پدر در سرآورده با خانواده و مراجعان، بسس مهربان و متواضع بود، امری که مخاطب عام در رسانه‌ها و روش آنها در انعکاس مطالب و اخبار مربوط به او کمتر توانسته آن را ببیند:

«در خصوص شخصیت داخلی مرحوم والد هم اگر بخواهم به محضرتان نکته‌ای عرض کنم، برعکس آن چیزی که شاید در بیرون، حاج‌آقا را یک آدم بسیار جدی می‌دیدند و گاهی هم مثلاً می‌گفتند که اگر در نماز جمعه صحبت می‌کردند، خیلی عصبانی می‌گفتند که اگر از انجام می‌دهند یا اگر صحبتی داشتند، خیلی با انتهاب صحبت می‌کردند و بالاخره لحن خاصی داشتند، ولی در خانه خیلی عساکر عاطفی و رفیق القلب داشتند و شاید اصلاً کسی تصور نمی‌کرد که چهره داخل حاج‌آقا، اینقدر مهربان و عاطفی باشد. با بچه‌ها و نوه‌ها صمیمی بودند، با فرزندانشان خیلی با صمیمیت و با مهربانی برخورد می‌کردند، با والد‌ها ما –رحمه الله علیهما- با نهایت کرامت و شخصیت ارتباط داشتند و همه ما برای والد‌ه جایگاه خاصی قائل بودیم، چون پدر برای ایشان جایگاه خاصی قائل بودند و خیلی احترام می‌گذاشتند و شأن مادر را حفظ می‌کردند و دائماً هم در این باره به ما توصیه می‌کردند. عرض کردم که برعکس آن نگاه بیرونی، در داخل خیلی مهربان بودند. حاج‌آقا با بچه‌ها بازی می‌کردند. زمانی که ایشان رئیس قوه بود تا ساعت ۵-۴ عصر در اداره بودند و بعد که به خانه می‌آمدند، طبیعتاً کارتابل‌ها را برای رئیس قوه می‌آوردند. یک روز من آمدم و دیدم که ایشان یک گوشه نشستند‌اند و با عارف دختر کوچک بنده داشتند نامه‌هایشان را می‌نوشتند. و در کنار بچه‌ها نشستند؟ چرا پشت میزتان نشستیم؟ چون طبیعتاً سخت است که آدم روی زمین بنشیند و نامه بنویسد. گفتند من در خاله‌بازی ایشان شرکت کردم و دارم نقش پدر را ایفا می‌کنم و مزاحم بازی می‌نمشو… برای من خیلی جالب بود، در آن شرایط سنی و با آن حجم کار، هم کارش را انجام می‌دهد و هم یک نشاط و شادمانی به نوه خودش تزریق می‌کند. محمدصالح فرزند من یک پسر خیلی پرنارزی بود. حاج‌آقا با او به صورت نشستند و الجبال یا فوتبال دستی بازی می‌کردند! من فیلم‌های حاج‌آقا را در حال این بازی‌ها، در خانه دارم. ایشان خیلی عاطفی و مهربان بودند و همه ما خیلی حاج‌آقا را دوست داشتیم. یعنی هیچ‌گاه به ما امر و نهی‌ای در خانه نداشتند. ما تصور می‌کردیم که دیدگاه و نظر حاج‌آقا در یک موضوع چیست و آن کار را انجام می‌دادیم، منتظر نبودیم امری کنند یا دستور می‌دهند. ایشان هیچ‌گاه ما را مکلف به کاری نمی‌کردند یا دستوری نمی‌دادند. اگر بین دوره از ایشان مشورت می‌گرفتیم، می‌گفتند به نظر می‌رسد که این راه بهتر باشد. سخنانشان را توصیه‌وار بودند و هیچ‌گاه دستوری چیزی را نمی‌گفتند و چون ایشان جایگاه خیلی بلندی نزد ما داشتند و همه ما در قلبمان او را دوست داشتیم، آنچه احساس می‌کردیم نظر ایشان است، همان را انجام می‌دادیم…»